

دکتر حسین بنی فاطمه*

شهرنشینی تطبیقی

چکیده:

در این مقاله سعی بر این شده بین شهرنشینی کشورهای پیشرفته و جهان سوم یک بررسی تطبیقی انجام پذیرد. در این راستا ابتدا به تطبیق تئوریهای متفاوت شهرنشینی پرداخته و سپس به مطالعه مقایسه‌ای بین میزان شهرنشینی و درآمد کشورهای مذکور، بررسی میزان رشد طبیعی و رشد سالانه جمعیت شهری و مشخص نمودن سهم مهاجرت در رشد و توسعه شهرنشینی، بررسی مقایسه‌ای نخست- شهری باستناد قانون اندازه- مرتبه شهری در بین شهرهای مقام اول و دوم کشورهای مختلف جهان، مطالعه جایگاه جهانی شهرها و عوامل مؤثری که در نتیجه آنها بعضی از شهرهای جهان مخصوصاً در کشورهای پیشرفته به چنین پایگاه جهانی میرسند، انجام پذیرفته و در پایان سعی

بر این گردیده که با کمک گرفتن از بررسی موارد مذکور به چگونگی شهرنشینی در آینده پرداخته و ویژگی‌های آنرا ذکر نمائیم.

مقدمه:

شهرنشینی در واقع یکی از مهمترین ابزارهای انتقال جوامع انسانی از دوره‌ای به دوره دیگر بوده است و همه جوامع انسانی از کوچک و بزرگ نوعی از آن را در طول حیات اجتماعی خویش تجربه کرده، و مطالعات زیادی در این راستا انجام داده‌اند. بررسی تطبیقی این فرایند به دلیل کمبود و نبود اطلاعات آماری و موانع دیگر کاری بس مشکل است. علی‌رغم وجود چنین محدودیتهایی، در این مقاله سعی شده است تا جنبه‌هایی از این پدیده اجتماعی، به این شرح مورد مطالعه قرار گیرد:

الف- بررسی تطبیقی نظریه‌های مختلف شهرنشینی که خود به چهار قسمت تقسیم می‌شود (نظریه تجدّد *Modernization theory* نظریه تعصب شهری *urban bias theory* وابستگی *Dependency theory* و نظریه نظام جهانی *world system theory*).

ب- بررسی ارتباط بین میزان شهرنشینی و درآمد در بین کشورهای مختلف جهان که با استفاده از طبقه‌بندی بانک جهانی از کشورهای مختلف جهان، تحت عنوان کشورهای با درآمد کم، کشورهای با درآمد متوسط، کشورهای صنعتی مبتنی بر اقتصاد آزاد و تجاری و کشورهای سوسیالیستی انجام می‌گیرد.

پ- بررسی میزان رشد طبیعی و رشد سالانه جمعیت شهری کشورهای مختلف جهان جهت مشخص کردن سهم مهاجرت در رشد و توسعه شهرنشینی.

ج- بررسی و تطبیق نخست- شهری *Urban- primacy* در بین کشورهای مختلف جهان. در این قسمت با استفاده از داده‌های موجود، قانون اندازه- مرتبه شهری (*Rank- siz Rule*) و میزان تبعیت یا عدم تبعیت شهرهای مختلف جهان (مخصوصاً شهرهای بزرگ یا مادر شهرها) از این قانون، مطالعه شده و علل و عوامل آن بررسی می‌گردد.

د- بررسی جایگاه جهانی شهرها در بین کشورهای مختلف جهان
The study of Global status of cities within the world با توجه به تحولات شگرف علم و تکنولوژی در سطح جهان این قسمت در میان متخصصان امر از اهمیت والایی برخوردار است و در این مقاله سعی شده است تا عوامل و انگیزه‌های ایجاد این ویژه شهرها به طور تطبیقی و از جهت موقعیت و شرایط تاریخی- سیاسی کشورهای مختلف جهان مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

نظریه‌های شهرنشینی

نظریه تجدد: طرفداران این نظریه، شهرها را محرک و عامل رشد اقتصادی می‌دانند و معتقدند که توسعه شهری جزئی از انتقال طبیعی جامعه از وضعیت سنتی *Traditional* به وضعیت مدرن *Modern* و صنعتی است^۱ بر این

اساس شهرنشینی سریع از ویژگیهای مثبت توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشوری به شمار می‌رود. فرضیه‌ای که طرفداران این نظریه ارائه می‌دهند عبارت است از این که استخدام افراد در بخش صنعت که یکی از ویژگیهای جامعه مدرن است، باعث جذب نیروی انسانی به مناطق شهری می‌شود و آنها با اشتغال در بخش صنعت باعث گسترش و توسعه اقتصادی می‌شوند. علاوه بر آن، این انتقال (از سنتی به مدرن) باعث توسعه آموزش و پرورش همگانی و در نتیجه ارتقای فکری افراد جامعه می‌شود و به نحوی به جذب زنان در بخشهای مختلف اقتصادی و صنعتی کمک می‌کند. لازم به ذکر است که طرفداران این نظریه بیشتر به جنبه‌های مثبت شهرنشینی و تجمع شهری توجه نموده، از عواقب اجتماعی رشد بی‌رویه شهرها مخصوصاً در کشورهای جهان سوم و وضعیت انگلی و سربار شهرهای بزرگ، و عقب ماندگی شهرهای کوچک و متوسط در زمینه‌های مختلف اقتصادی و صنعتی غافل مانده‌اند.

نظریه تعصب شهری - *Urban bias theory*: طرفداران این نظریه معتقدند که خط‌مشی‌ها و سیاستهای دولت بیشتر به نفع ما در شهرها و شهرهاست و این امر باعث مهاجرت روستائیان به شهرها شده و در نتیجه موجب توسعه مناطق شهری می‌گردد ولی این توسعه ماندگار نخواهد بود.^۲

مطابق نظر اقتصاددانان کلاسیک، روستائیان به خاطر بالا بودن دستمزد در بخش صنعت به شهرها کشانده می‌شوند. آنان معتقدند که دو عامل صنعتی شدن و رشد بالای به کارگیری نیروی انسانی در قسمت تولید از عوامل مهم توسعه شهری در گذشته محسوب می‌شده است و در آینده نیز همین عوامل در توسعه شهری موثر خواهد بود.^۳ مهاجران نه تنها به خاطر تفاوت مزد واقعی شهری و روستایی، بلکه به خاطر تفاوت فزاینده بین دستمزد شهری و روستایی عازم شهرها می‌شوند.^۴

نظریه وابستگی بیشتر بر نابرابری در مبادله اقتصادی بین کشورهای عقب نگهداشته شده و کشورهای پیشرفته صنعتی تأکید می‌کند. طرفداران این نظریه معتقدند که روابط تجاری بین کشورهای مذکور از طریق سیاستها و خط مشی‌های شرکت‌های چند ملیتی که به نفع کشورهای مرکز *Core* و به ضرر کشورهای اقماری *Periphery* است، برقرار می‌شود. کشورهای عقب نگهداشته شده سعی می‌کنند از یوغ استعمار (کهنه و نو) رهایی یابد در صورتی که کشورهای پیشرفته در وضعیت استعماری خود باقی می‌مانند و تحت چنین نظم دهی‌های استعماری نو، اقتصاد کشورهای جهان سوم در وضعیت رکودی خود باقی می‌ماند.^۵ تحت چنین وضعیتی (مبادله نابرابر اقتصادی و سلطه‌پذیری استعماری) فضای شهری کشورهای جهان سوم تکوین می‌یابد. بتدریج در هر کشوری از جهان سوم چند شهر همه امکانات را در خود جمع می‌کند و این امر باعث به هم خوردن توازن در نظام شهری می‌گردد؛ در نتیجه نه تنها عامل توسعه نمی‌شود بلکه انگل جوامع شهری جهان سوم نیز می‌گردد. این شهرها در بیشتر جهات به عنوان شهرهای استعماری و نواستعماری رابط و عامل بسط و توسعه نظام سرمایه‌داری منتهی به شکل وابسته عمل می‌نمایند.

نظریه نظام جهانی *World system theory* که در سال ۱۹۷۴، والرشتاین، آن را مطرح کرد، مثل نظریه وابستگی بیشتر گرایش به نظریه مارکسیست‌ها داشت. والرشتاین مطالعه خود را باتکا به نوشته‌های *Frank* و *Amin* آغاز کرد ولی بعدها روش *Ferdinand Braudel* را برای حلّاجی الگوی تغییر، به کار گرفت و ضمن توسعه دو بعد مدل نظریه وابستگی یعنی مرکز *Core* و حومه *Periphery*، بعد سومی تحت عنوان شبه حومه *Semi-periphery* بدان اضافه نمود. فرقی که بین نظریه وابستگی و نظریه نظام

جهانی وجود دارد، این است که در اولی بیشتر تاکید بر روی کشورهای فقیر است در صورتی که در دومی هر سه بعد یعنی مرکز، حومه و شبه حومه بررسی می‌شود. به نظر می‌رسد که وجه اهتمام نظریه‌های یاد شده، بیشتر بر روی نیروهایی است که شهرهای دنیا را شکل داده و یا شکل می‌دهند. نظریه تجدّد بر روی نیروهای محوّر که وجاذب مراکز شهری تأکید می‌کند. نظریه وابستگی بیشتر بر ماهیت انگلی شهرها تأکید می‌ورزد و نظریه نظام جهانی ضمن همسویی با نظریه وابستگی، تأکید دارد که: اگر چه ارتباط بین‌المللی به طور عادی نابرابر و استثمارگرانه است هنوز چشم‌انداز امیدوار کننده‌ای در آینده به چشم می‌خورد و آن، این است که اقتصاد کشورها در بطن نظام بین‌المللی پویایی یافته و در دوره طولانی ممکن است کشوری از وضعیت حومه *Periphery* به شبه حومه *Semi-periphery* برسد و متعاقباً تغییری در نظام شهرنشینی آنان به وجود آید.

درآمد و شهرنشینی

جهت تطبیق میزان شهرنشینی در بین کشورهای مختلف جهان، بانک جهانی این کشورها را به چهار دسته تقسیم نموده است: کشورهای با درآمد کم، کشورهای با درآمد متوسط، کشورهای صنعتی با اقتصاد آزاد بازاری، و کشورهای صنعتی با اقتصاد سوسیالیستی.

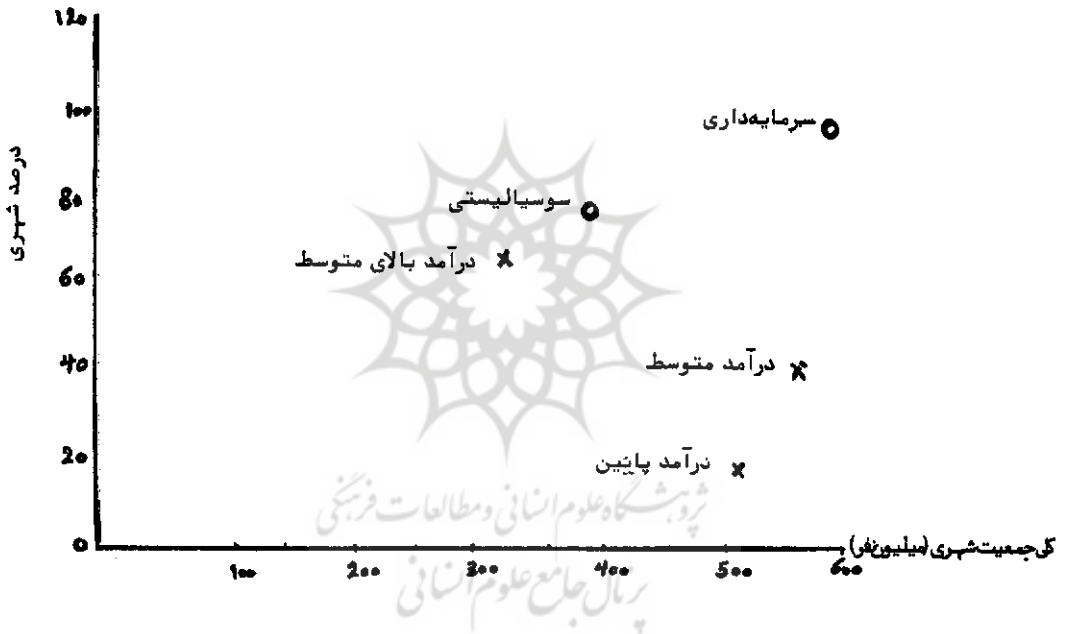
داده‌های جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۱ میزان شهرنشینی پیش‌بینی شده را در بین کشورهای مذکور به این شرح نشان می‌دهد: میزان شهرنشینی کشورهای کم درآمد ۱۷ درصد، کشورهای با درآمد متوسط ۵۰ درصد، کشورهای سوسیالیستی ۶۴ درصد، و کشورهای با اقتصاد آزاد ۷۷ درصد است. بر اساس داده‌های جدول مذکور میزان شهرنشینی در بین کشورهای صنعتی سرمایه‌داری در سطح بالایی قرار دارد. رشد سالیانه جمعیت شهری در

کشورهای با درآمد کم بیشتر از کشورهای صنعتی سرمایه‌داری و سوسیالیستی است (۵ درصد برای کشورهای با درآمد پایین، ۲/۱ درصد برای کشورهای سوسیالیستی و ۱/۳ درصد برای کشورهای سرمایه‌داری) این رشد از آغاز دهه ۱۹۶۰ در کشورهای جهان سوم شروع شده است و در حال حاضر شهرهای بزرگ این کشورها با انفجار جمعیتی (که با مشکلات بسیاری همراه است) روپرو هستند.

جدول شماره ۱- میزان شهرنشینی کشورهای مختلف جهان و نوع درآمد^۶

درصد جمعیت شهری در شهرهای بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر	جمعیت شهری درصد شهرنشینی میزان رشد سالیانه				جمعیت در سال ۱۸۰۰ به میلیون نفر	ممالک
	۱۹۸۰	۱۹۰۰	۱۹۸۰	۱۹۶۰		
۴۱	۳۱	۳/۷	۳/۸	۱۷	۱۵	کشورهای با درآمد کم
۴۲	۳۳			۱۷	۱۶۵۰	چین و هند
۴۸	۳۵	۳/۸	۴	۵۰	۱۰۰۸	گروه کشورهای با درآمد متوسط
۴۸	۳۲	۴/۳	۴/۵	۴۵	۳۳	کشورهای صادرکننده نفت
۴۸	۳۶	۳/۵	۴	۵۲	۶۷۴	کشورهای وارد کننده نفت
۵۳	۲۲	۶/۷	۷/۴	۶۹	۳۷	کشورهای مازاد سرمایه‌داری
۳۲	۲۳	۲	۲/۵	۶۴	۴۹	کشورهای با اقتصاد سوسیالیستی
۵۵	۴۸	۱/۳	۱/۸	۷۷	۶۸	کشورهای سرمایه‌داری

نمودار ۱- جمعیت و میزان شهرنشینی کشورهای مختلف با درآمد متفاوت^۷



x = کشورهای در حال توسعه (کل جمعیت شهری ۱۴۰۵ میلیون نفر)

o = کشورهای توسعه یافته (کل جمعیت شهری ۸۱۲ میلیون نفر)

رشد شهرنشینی

تا اوایل قرن هیجدهم بیشترین اسکان انسانها در مناطق روستایی بود و تعداد بسیار کمی از شهرهای باستانی به چشم می‌خورد و بزرگترین آنها در آن روز به اندازه کوچکترین شهر امروز بود. رشد این شهرها در مقایسه با شهرهای امروز که رشد بسیار سریعی دارند، بسیار کند بود. سرعت پیشرفت شهرنشینی در نتیجه تغییرات تکنولوژیکی، توسعه اقتصادی، اکتشافات علمی، رشد سریع سیستمهای ارتباطی و رشد تجارت و بازرگانی، میسر شد. خود روند شهرنشینی که در نتیجه تأثیر عوامل مذکور به وجود آمد، به نوبه خود باعث تقویت و دگرگونی فرهنگ سنتی، زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی فضای فیزیکی شهرها شد. از ویژگیهای شهرنشینی امروز رشد توسعه جمعیت شهری و پدید آمدن شهرهایی با الگوها، نقشه‌ها و نقشهای جدید می‌باشد. کل جمعیت پیش‌بینی شده در سال ۱۸۰۰ میلادی، در حدود $\frac{2}{7}$ میلیون نفر بوده است، از سال ۱۸۰۰، جمعیت شهری دنیا روز به روز افزایش یافت و میزان رشد آن از ۳ درصد در سال ۱۸۰۰، به ۶ درصد در سال ۱۸۵۰ و ۱۴ درصد در سال ۱۹۰۰ رسید. این رشد سریع از سال ۱۹۵۰ به بعد به طور فزاینده‌ای در تمامی کشورهای جهان مخصوصاً کشورهای پیشرفته به وجود آمد و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۰۰ بیش از نصف جمعیت جهان در شهرها زندگی بکنند. (جدول ۲)

جدول شماره ۲ - میزان جمعیت شهری در مناطق مختلف جهان^۸

مناطق مختلف جهان	۱۹۲۵	۱۹۵۰	۱۹۷۵	۲۰۰۰	۲۰۲۵
دنیا	۲۱	۲۸	۳۹	۵۰	۶۳
آمریکای شمالی	۵۴	۶۴	۷۷	۸۶	۹۳
اروپا	۴۸	۵۵	۶۷	۷۹	۸۸
شوروی	۱۸	۳۹	۶۱	۷۶	۸۷
آسیای شرق	۱۰	۱۵	۳۰	۴۶	۶۳
آمریکای لاتین	۲۵	۴۱	۶۰	۷۴	۸۵
آفریقا	۸	۱۳	۲۴	۳۷	۵۴
آسیای جنوبی	۹	۱۵	۲۵	۳۵	۵۱

به طوری که داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد، فرق فاحشی بین شهرنشینی کشورهای جهان سوم و پیشرفته وجود دارد؛ میزان شهرنشینی کشورهای پیشرفته در سال ۱۹۵۰، ۵۰ درصد بود که این رقم در سال ۲۰۰۰ به حدود ۸۱ درصد خواهد رسید، در صورتیکه این میزان برای کشورهای جهان سوم در سال ۱۹۵۰، ۶ درصد بوده و در سال ۲۰۰۰، ۴۰ درصد پیش‌بینی شده است. تفاوت دیگری که بین شهرنشینی در کشورهای پیشرفته و جهان سوم وجود دارد، تعداد جمعیت ساکن در شهرکها می‌باشد، به طوری که در سال ۱۹۵۰، تعداد جمعیت ساکن در شهرکها *Towns*، در کشورهای پیشرفته بیشتر از کشورهای جهان سوم بود که این فاصله روزبه‌روز کمتر می‌شود تا جایی که

امروزه تعداد شهرکها در کشورهای عقب مانده حتی بیشتر از کشورهای پیشرفته صنعتی است.

روش دیگری برای مطالعه میزان رشد شهرنشینی در بین کشورهای مختلف جهان از طریق بررسی میزان روستانشینی، امکانپذیر می باشد. بر اساس داده های آماری سی سال قبل جمعیت ساکن در مناطق شهری کمتر از ۵۰ درصد بود و هیچ کشوری به طور کامل شهرنشین نبود.

در سال ۱۹۵۰، ۷۰۰ میلیون نفر در شهرها زندگی می کردند، از سال ۱۹۵۰ به بعد روزبه روز بر تعداد جمعیت شهری افزوده شد و تعداد جمعیت روستایی کاهش یافت. از ویژگیهای شهرنشینی امروز، توسعه شهرهای متوسط و بزرگ است، تعداد شهرهای با جمعیت ۱۰۰۰۰۰ نفر روزبه روز بیشتر می شود. بر اساس آمار سازمان ملل، در سال ۱۹۵۰، ۷۱ شهر یک میلیون نفری و در سال ۱۹۷۰، ۱۰۹ شهر یک میلیون نفری و در سال ۱۹۷۵، ۱۹۱ شهر یک میلیون نفری که جمعاً ۱۲/۸ درصد جمعیت شهری جهان را تشکیل می داده، وجود داشته است.

یکی از عوامل مهم توسعه شهرکها در بین کشورهای مختلف جهان، افزایش طبیعی جمعیت و مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ می باشد. بر اساس بررسی های انجام پذیرفته، حدود ۵۸ درصد رشد جمعیتی شهرها در نتیجه افزایش طبیعی جمعیت می باشد که خود این امر تحت تأثیر توسعه واکسیناسیون، کشف داروهای جدید، از بین بردن اپیدمی ها که همگی به کاهش مرگ و میر می انجامد، بوده است. از دیگر عوامل رشد شهری می توان به مهاجرت روستا-شهری اشاره کرد. بر اساس گزارش سازمان ملل بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ در حدود ۱۰۶ میلیون نفر از مناطق روستایی به مناطق مختلف جهان

متفاوت بوده و در کشورهای آسیای شرقی ۳۳ میلیون، در آسیای جنوبی ۲۳ میلیون، در کشورهای اروپایی ۱۲ میلیون، در کشورهای آمریکای لاتین ۱۷ میلیون، در شوروی ۱۰ میلیون و در آمریکای شمالی ۶ میلیون نفر بوده است. با توجه به داده‌های فوق بیشتر این نقل و انتقال نیروی انسانی در کشورهای عقب‌مانده انجام گرفته است. در مقایسه با میزان شهرنشینی کشورهای پیشرفته که در نتیجه توسعه اقتصادی و نیاز به نیروی انسانی رشد یافته توسعه می‌یابد، شهرنشینی در کشورهای جهان سوم بیشتر به خاطر عدم توسعه اقتصادی، رشد بی‌رویه داشته و باعث به وجود آمدن نوعی از شهرنشینی که متخصصان امر آن را شهرنشینی افراطی *Hyper-Urbanization* و یا *Over-Urbanization* نامیده‌اند، شده است. در چنین فرایندی (شهرنشینی سریع) شهرهای بزرگ سریعتر رشد می‌کنند (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳- انباشت جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه^۹

اندازه جمعیت شهری / سال	۱۹۵۰	۱۹۷۰	۲۰۰۰
۱ تا ۱۰ میلیون نفر	۲۳	۷۱	۲۵۹
بیش از ۱۰ میلیون	۰	۱	۱۷

رشد جمعیت شهری در کشورهای اروپایی به انضمام شوروی، در طول قرن نوزدهم، ۴۵ میلیون نفر بود که در ربع سوم قرن حاضر، فقط کشور برزیل چنین رشدی داشته است. در واقع بین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۷۵ کل جمعیت شهری کشورهای جهان سوم حدود ۴۰۰ میلیون نفر رشد داشت که در سال ۲۰۰۰

به ۱۰۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. این رشد بی روتّه باعث گرایش مردم شهری به زندگی در شهرها و شهرکها می‌شود و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود. تراکم جمعیت در همه این کشورها یکسان نیست؛ بلکه در بیشتر کشورهای آسیایی تراکم جمعیت زیاد ولی میزان شهرنشینی پایین است، در صورتی که در کشورهای امریکای لاتین تراکم کم و میزان شهرنشینی بالاست؛ در کشورهای افریقایی میزان تراکم کم و میزان شهرنشینی نیز پایین است. (جدول شماره ۴). بر اساس پیش‌بینی‌های انجام یافته توسط متخصصان شهری، از سال ۱۹۶۰ تا آخر ۲۰۰۰، جمعیت شهری قاره افریقا هفت برابر و شهرهای آسیایی و امریکای لاتین چیزی در حدود $\frac{4}{5}$ برابر می‌شود (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۴- شاخص توسعه جمعیتی، انسانی و اقتصادی برای کشورهای بزرگ در حال توسعه ۱۰

کشورها	کل جمعیت سال ۱۹۹۳ به بیلیون نفر	میزان رشد سالانه		جمعیت شهری		جمعیت شهری		میزان مرگ و میر که دی در هر هزار نفر متولد
		۱۹۹۳ ۲۰۰۰	۱۹۹۳ ۱۹۹۳	درصد کل جمعیت	میزان رشد سالانه	G.D.P.	۱۹۹۳	
چین	۱/۱۹۶۶۴	۱/۸	۱	۱۹	۲۹	۲/۱	۲/۸	۲۳۰
کره شمالی	۲۳	۲/۳	۱/۷	۴۰	۶۱	۳/۶	۲/۳	۳۰۰۰
کره جنوبی	۴۴/۱	۱/۷	۰/۹	۲۸	۲۹	۵	۲/۳	۹۷۱۰
تایوان	۲۰/۹	۱/۸	-	-	۹۴	۳	-	-
افغانستان	۱۷/۷	۱/۵	۶	۸	۱۹	۲/۳	۸/۲	۸۰۰
ایران	۶۴/۲	۳/۴	۲/۲	۳۴	۵۸	۵	۳/۱	۵۳۸۰
عراق	۱۹/۵	۳/۲	۲/۹	۲۴	۷۴	۲/۹	۲/۶	۳۴۱۳
قزاقستان	۱۷	۱/۶	۰/۶	۴۵	۵۹	۲/۵	۱/۴	۳۷۱۰
لبنان	۲/۸	۱/۳	۲/۳	۴۰	۸۶	۳/۷	۲/۹	۲۵۰۰
عمان سعودی	۱۷/۱	۴/۴	۳/۱	۳۰	۷۹	۷/۶	۲/۶	۱۲۶۰۰
سوریه	۱۳/۷	۳/۴	۳/۴	۳۷	۵۱	۴/۲	۲/۳	۴۱۹۶
ترکیه	۵۹/۶	۲/۴	۱/۸	۳۰	۶۶	۲/۹	۲/۷	۴۲۱۰
ازبکستان	۲۱/۹	۲/۹	۲/۲	۲۴	۲۴	۳/۴	۲/۸	۲۵۱۰
یمن	۱۳/۲	۲/۸	۳/۷	۹	۳۲	۶/۸	۶/۶	۱۶۰۰
آرژانتین	۳۳/۸	۱/۵	۱/۲	۷۲	۸۸	۲	۱/۵	۸۳۵۰
برزیل	۱۵۶/۵	۲/۴	۱/۶	۴۵	۷۷	۴	۲/۴	۵۵۰۰
کوبا	۱۰/۹	۱/۴	۰/۷	۵۵	۷۵	۲/۳	۱/۲	۳۰۰۰
کشورهای در حال توسعه	۴۲۹۹	۲/۲	۱/۸	۲۲	۳۶	۳/۸	۳/۵	۲۶۹۶
کشورهای صنعتی	۱۲۰۹	۰/۸	۰/۴	۶/۱	۷/۳	۱/۳	۰/۷	۵۱۳۶

جدول شماره ۵- اندازه جمعیت شهری در مناطق مختلف کشورهای جهان سوم ۸۰-۱۹۶۰ و پیشینی آن ۱۹۸۰-۲۰۰۰^{۱۱}

مناطق / سال	۱۹۶۰	۱۹۸۰	۲۰۰۰
افریقا	۴۹/۵۰۶/۰۰۰	۱۳۲/۹۵۱/۰۰۰	۳۴۵/۷۵۷/۰۰۰
آسیا	۲۸۳/۰۲۶/۰۰۰	۵۹۶/۶۰۹/۰۰۰	۱/۲۹۷/۷۱۹/۰۰۰
امریکای لاتین	۱۰۶/۵۵۹/۰۰۰	۲۴۰/۵۹۲/۰۰۰	۴۶۶/۲۳۴/۰۰۰
کل جهان سوم	۴۳۹/۳۵۴/۰۰۰	۹۷۲/۴۰۸/۰۰۰	۲/۱۱۵/۵۵۸/۰۰۰
غیر جهان سوم	۵۷۲/۷۳۰/۰۰۰	۸۳۴/۴۰۱/۰۰۰	۱/۰۹۲/۴۷۰/۰۰۰
میزان رشد ۲۰ ساله (جهان سوم)	%۱۲۱	%۱۱۸	-
میزان رشد ۲۰ ساله (غیر جهان سوم)	%۴۶	%۳۱	-

نخست شهر Primate City

مفهوم نخست شهر برای توصیف موقعیتی که در آن یک شهر چندین برابر شهرهای دیگر در یک کشور بخصوص رشد می کند، دلالت دارد. این مفهوم بیشتر مرتبط با قانون اندازه- مرتبه شهری (Rank-size Rule) بوده که در آن مفهوم تعادل مطرح می باشد. پیش فرض این قانون این است که بزرگترین شهر یک کشور اصولاً دارای دو برابر جمعیت شهر دوم، سه برابر جمعیت شهر سوم و

... می‌باشد. اگر نظام شهری از این قانونمندی تبعیت نکند یک نوع عدم تعادل بین جمعیت متمرکز در شهر و ارائه خدمات شهری به وجود می‌آید که جامعه‌شناسان شهری این نوع شهرنشینی را، شهرنشینی بی‌روته نام نهاده‌اند که نخست شهرها از عواقب چنین نظام شهری است و اکثراً در کشورهای جهان سوم به وجود می‌آید. به عنوان مثال شهر مکزیکوسیتی شش برابر شهر دوم آن گوادالاها را *Guadalajara*، داکار در کشور سنگال هفت برابر شهر تیز *Thies*، بوئنوس آیرس حدود ۱۲/۵ برابر شهر رازاریو *Rasario* جمعیت دارد.

شهری که در دنیا بیشترین میزان نخست-شهر بودن را در بین شهرهای بزرگ دنیا به خود اختصاص می‌دهد، شهر بانکوک در کشور تایلند است که در سال ۱۹۸۰ با داشتن ۴/۷ میلیون نفر جمعیت، ۴۴ برابر شهر دوم این کشور یعنی چیانگ‌مای *Chiang Mai* بوده است.

علاوه بر تعداد جمعیت، عوامل دیگری نیز در نخست شهری یک شهر نسبت به سایر شهرها، وجود دارد. یکی از این عوامل، کارکرد شهر می‌باشد که بر زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سایر شهرها تسلط دارد. در زمان استعمار، اکثریت شهرهای بندری به خاطر نقش اقتصادی‌شان جزو نخست شهرها محسوب می‌شدند، در طول زمان در نتیجه توسعه سایر طرق ارتباطی این نقشها به شهرهای مرکزی داده شد و امروزه اکثریت شهرهای بزرگ جهان سوم، علاوه بر ایفای نقش سیاسی به عنوان پایتخت، مرکز اقتصادی، فرهنگی، و ... نیز می‌باشند و رفته رفته با تشدید تمرکز باعث به هم خوردن توازن در بین شهرها شده و به صورت شهرهای انگلی (*Parastie city*) درآمده‌اند. این شهرها، نه تنها باعث توسعه اقتصادی نمی‌شوند بلکه مانع ترقی و توسعه سایر مراکز شهری نیز می‌گردند. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۰۰، بیشتر نقاط تجمع جمعیت

شهری که بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشند در کشورهای جهان سوم به وجود بیایند. به عنوان مثال، جمعیت شهر نیویورک به ۲۲/۸ میلیون نفر خواهد رسید و حال آنکه جمعیت شهر مکزیک ۳۱ میلیون نفر خواهد رسید. پکن ۱۹/۹ میلیون نفر، ریودوژانیرو ۱۹ میلیون نفر، بمبئی ۱۷/۱، کلکته ۱۶/۷، جاکارتا ۱۹، مدرس ۱۲/۹، مانیل ۱۲/۳، بوئنوس-آیرس ۱۲/۱، بوگوتا ۱۱/۷، تهران، استانبول و بغداد بیش از ۱۱ میلیون نفر (تا سال ۲۰۰۰) جمعیت خواهند داشت.^{۱۲}

بریان بری در کتاب خود تحت عنوان "عواقب انسانی و اجتماعی شهرنشینی در جهان سوم" خاطر نشان می‌سازد که رشد بی‌رویه شهرنشینی در کشورهای جهان سوم در دهه‌های اخیر باعث پدید آمدن شکل خاصی از این پدیده شده و عواقب بسیاری را به وجود آورده است. یکی از ویژگی‌های این فرایند این است که میزان شهرنشینی این کشورها با توسعه اقتصادی‌شان همبستگی ندارند. روند صنعتی شدن و تولید اقتصادی خیلی عقب‌مانده‌تر از میزان شهرنشینی است و حاصل این عدم تعادل وجود بیکاریهای مزمن، حاشیه‌نشینی، بورس بازی زمین، مسایل بهداشتی و آموزشی و... می‌باشد. زیر ساختهای اقتصادی نظام شهری این کشورها توانایی به کارگیری نیروی انسانی مازاد را که بیشتر مهاجران روستایی هستند، ندارد، در نتیجه نیروی مازاد که آمادگی کاری دارند ناخواسته به طرف بخش سوم *Tertiary Sector* روی می‌آورند. برای کنترل چنین شهرنشینی بی‌رویه‌ای دنیس ا. راندنلی *Denis A. Rondinelli* در مقاله‌ای تحت عنوان "شهرنشینی متعادل" *Balanced-Urbanization* برای کنترل شهرنشینی بی‌رویه پیشنهاداتی را به شرح زیر ارائه می‌کند:^{۱۳}

- ۱- تامین و توسعه خدمات اساسی در مراکز ما در شهرها
- ۲- کنترل رشد جمعیتی نخست شهرها *primate cities*
- ۳- تشویق رشد و توسعه مراکز شهری منطقه‌ای و شهرهای میانی (متوسط)
- ۴- تقویت رشد و توسعه شهرکها و شهرهای کوچک به عنوان مراکز خدمات روستاییان
- ۵- ایجاد دهکده‌های راهبردی به عنوان مراکز خدمات کشاورزی
- ۶- سعی در ایجاد سیاستهای عدم تمرکز شهری جهت انسجام برنامه‌های توسعه روستایی و همچنین ایجاد ارتباط بین مراکز سکونت متعدد در نظام فضایی ملی و منطقه‌ای.

جایگاه جهانی شهرها (*Global status of the cities*)

یک شهر به صرف داشتن جمعیت زیاد و یا صنعتی بودن نمی‌تواند دارای جایگاه جهانی باشد؛ مثل سنول، سائوپولو، مکزیکوسیتی، تهران و... لازم‌ترین جایگاهی توانایی شهر در ارائه خدمات اساسی، نه تنها برای تأمین نیازمندیهای داخلی، بلکه تأمین نیازمندیهای بازار جهانی نیز می‌باشد. این خدمات شامل وجود ارتباطات در سطح ملی و جهانی، تنوع در برنامه‌های تلویزیونی، وجود انتشارات در زمینه‌های مختلف (کتاب و مجلات)، خدمات خبررسانی است. بعضی از شهرها مثل هنگ‌کنگ و سنگاپور دارای چنین ویژگی‌هایی هستند؛ به عنوان مثال، هنگ‌کنگ مرکزی در آسیای جنوب شرقی، دارای ۶۷ روزنامه (بیشتر آنها خارجی است)، ۵۱۵ نشریه ادواری، ده مرکز فرستنده رادیویی و رسانه‌های الکترونیکی است. در سال ۱۹۸۳، ۱۱۸ فیلم

سینمایی در این شهر ساخته شد. همچنین لازمه احراز چنین جایگاهی ایجاد روابط بازرگانی با سایر کشورهای جهان است. این نوع روابط تجاری بایستی مبتنی بر صدور تولیدات محلی و داخلی بوده باشد. به عنوان مثال سنگاپور و هنگ کنگ از این نقطه حرکت کردند و این حرکت توأم با ایجاد شبکه‌های ارتباطی بود. همچنین محرز شده است که شهرهایی که با هر دو بلوک، یعنی شرق و غرب روابط تجاری دارند، زودتر به چنین جایگاه جهانی می‌رسند. در مقایسه با شهرهایی که فقط با یکی از این بلوکها ارتباط دارند، مثل سنگاپور و هنگ کنگ.

شهرهای کشورهای عقب‌مانده از نظر اقتصادی و کشورهای تحت سلطه استعمار نو، شرایط احراز جایگاه جهانی را ندارند؛ چرا که سیاست و خط‌مشی‌های ملی و عدم برنامه‌ریزیهای صحیح مانع رسیدن آنها به چنین جایگاهی می‌باشد؛ به عنوان مثال، شهر قاهره، پایتخت کشور مصر، که زمانی، مرکز فرهنگی دنیای عرب به حساب می‌آمد، بیروت که مرکز تجاری و خدماتی دنیای عرب بود، کراچی پایتخت سابق پاکستان، که امروزه نقش فرودگاهی مهم را برای هواپیماهای خارجی به عهده دارد، هیچ یک موقعیت شهر جهانی را ندارند. عوامل مهم این ضعف عبارتند از:

- ۱- وجود آشوبهای داخلی
- ۲- وابستگی اقتصادی
- ۳- عدم ثبات سیاسی
- ۴- ضعف برنامه‌ریزیهای اقتصادی و اجتماعی و حاکمیت فرهنگ

مسخ شده.

با توجه به ویژگیهای یادشده، اکثر شهرهای بزرگ کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین از جایگاه جهانی برخوردار نیستند.

شهرنشینی در آینده

یکی از مهمترین ویژگیهای شهرنشینی در آینده، کاهش میزان رشد شهرها در اکثر نقاط جهان است. دوره رشد سریع شهرها مخصوصاً در کشورهای پیشرفته صنعتی به آخر رسیده است. برای بررسی آینده فرآیند شهرنشینی لازم است به دو مورد اساسی که در گذشته در رشد شهرها موثر بوده است، اشاره شود:

الف) حرکت جمعیت از روستا به شهر

ب) رشد طبیعی جمعیت به طور کلی.

تأثیر عوامل مذکور در حال حاضر به طور فزاینده کاهش یافته است. روستاها دیگر نمی توانند به شهرها جمعیت بفرستند چرا که جمعیت آنها دیگر این توان را از دست داده است. عامل دوم که افزایش جمعیت باشد نقش خود را مخصوصاً در کشورهای پیشرفته به حداقل رسانده، چرا که افزایش طبیعی جمعیت که باعث رشد شهری می شود تقریباً از مدل جمعیتی ثابت که ساختمان سنی آن در طول زمان ثابت یک جدول بقای معین است، و تعداد موالید سالیانه آن نیز به میزان ثابتی تغییر می یابد، تبعیت می نماید. حتی در بعضی از کشورهای غربی مثل آلمان، جمعیت رشد منفی دارد. پیش بینی می شود که رشد شهرها در سالهای آینده مخصوصاً در کشورهای پیشرفته، بسیار کند خواهد بود. برای مشخص کردن این امر مقایسه ای از رشد شهرها در دهه های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰، ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ ضروری به نظر می رسد. در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ جمعیت شهری ۲ درصد، رشد سالیانه داشت و کشورهایی از جمله ژاپن و

فرانسه حتی بیشتر از ۲ درصد یعنی ۲/۴ درصد رشد سالیانه داشتند. رشد شهری در سالهای ۱۹۷۰ به حدود ۱ درصد کاهش یافت ولی ژاپن همچنان ۱/۸ درصد رشد داشت. کاهش رشد شهری در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ چشمگیر بوده است، با وجود این بعضی از شهرها مخصوصاً در کشورهای عقب مانده هنوز به رشد خود ادامه می‌دهند و بعضی‌ها روز به روز از رشدشان کاسته می‌شود. این تغییر و تحوّل شگرف باعث پدید آمدن نوع خاصی از شهرنشینی می‌شود که دارای ویژگیهایی به شرح زیر خواهد بود:

۱- مدیران شهری کارا و مجرب، جایگزین برنامه‌ریز شهری می‌شوند.

۲- اقتصاددانان، جایگزین آرشیکت شهری می‌شود.

۳- جامعه‌شناسان، جایگزین مهندسان شهری می‌شوند.

۴- بیشتر ابزار و وسایلی که جهت کنترل رشد شهری به کار گرفته می‌شود، اهمیت خود را از دست می‌دهند.

۵- افزایش قیمت و بورس بازی که از عواقب رشد شهرنشینی است، رفته‌رفته تقلیل یافته، از بین می‌رود.

۶- رقابت بین شهرها احتمالاً زیاد شده، هر منطقه شهری برای جذب جمعیتی که دارای ویژگیهای خاص از نظر اشتغال باشد، بیشتر تلاش می‌کند.

لازم به توضیح است که موارد مذکور بیشتر از خصوصیات شهرنشینی کشورهای پیشرفته است و کشورهای جهان سوم هنوز به روند رشد سریع شهرها که ناشی از مهاجرت روستا- شهری است، ادامه می‌دهند و حدود ۴ تا ۵ درصد رشد سالیانه جمعیت شهری را دارا هستند و اکثر جمعیت شهری آنها در چند مادر شهر متمرکز می‌باشند. تمرکز جمعیت اصولاً باعث تبادل کالا، پول، مهارت و

ایده‌ها می‌گردد، همچنین شهرها با جمعیت متمرکز، بازار مناسبی برای جذب نیروی انسانی ماهر، جذب سرمایه، تولید صنعتی و همچنین موجب تقسیم کار اجتماعی که سبب افزایش بهره‌وری است، می‌باشند. ابداعات تکنولوژیکی که یکی دیگر از ابزارهای بهره‌وری است در چنین شهرهایی توسعه می‌یابد، لذا بهره‌وری انسانی با اندازه شهری ارتباط می‌یابد. هر قدر شهر بزرگ باشد، به همان قدر بهره‌وری آن در سطح بالایی قرار می‌گیرد. این امر در مورد بهره‌وری سرمایه نیز صادق است. از آنجا که بهره‌وری نیروی انسانی در شهرها بالاست، لذا درآمدها نیز در آن بالاست. بهره‌وری و درآمد بالای شهری خود باعث جذب جمعیت به شهرهای بزرگ می‌شود؛ به همین خاطر است که اقتصاددانان جذب نیروی انسانی به شهرهای بزرگ را از طریق مهاجرت یکی از عوامل موثر توسعه به حساب می‌آورند؛ مثل توکیو *Tokyo* در ژاپن متاسفانه شهرهای کشورهای جهان سوم از این ویژگیها محروم هستند و توان به کارگیری نیروی انسانی مازاد را ندارند در نتیجه اکثر جمعیت آنها که مهاجران روستایی و اغلب بیسواد و غیر ماهر هستند به کارهای جنبی پرداخته، نوعی اقتصاد کاذب شهری را سبب می‌شوند و عواقبی چون بیکاری، کم‌کاری، اشتغال کاذب، دستفروشی، تکوین حاشیه‌نشینی و ... به بار می‌آورند.

از ویژگیهای دیگر شهرنشینی در آینده، مخصوصاً در کشورهای صنعتی، فرایند دوگانه غیرمادی کردن تولید *Dematerialization of production* و همچنین عدم تمرکز منطقه‌ای اطلاعات را می‌توان ذکر کرد. این عوامل باعث می‌شوند که شهرها دیگر مرکز تولید نباشند. اگر مهمترین داده *input* تولید، اطلاعات باشد و این امر در همه جا در دسترس قرار گیرد، امکان تولید در همه جا ممکن است و ضرورتی برای تولید ارزان در مکان شهری

نخواهد بود؛ به عنوان مثال، دیگر لازم نخواهد بود که برنامه‌های کامپیوتری در منطقه شهری تدوین شود، لذا اقتصاد مبتنی بر تجمع شهری، رفته‌رفته اهمیت خود را از دست داده، این تحول شگرف آغاز حیات بهینه شهرها تلقی خواهد شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشتها:

- 1- Bradshaw.Y.W.1987
- 2- Lipton, 1977,1984
- 3- King, Anthony D.1990
- 4- Katherine Kia Thehranian, 1995
- 5- Amin, 1976
- 6- World Bank, world Development Report,1981,New York
- 7- The Third world city, David Drakakis- smith,1987
- 8- Urbanization in the Developing world: David Drakakis
Routledge 1986
- 9- U.N, world Housing survey, 1974,p.26
- 10- U.N.Development programme(1996), Human Develop-
ment Report, New York: oxford university press.
- 11- United Nations(1989) United Nations Demographic Year
book, New York.
- 12- United Nations Demograohic Year book,1989.
- 13- Rondinell, Dennis, 1983.

منابع:

- 1- Amin, S.(1976). Unequal Development: An Essay on the social formations of peripheral capitalism, New York; Monthly Review.
- 2- Bradshaw, York W.(1987). Urbanization and Under-Development: A Global study of urbanization, Global Bias and Economic Dependency, American sociological Review 52:224-39.
- 3- Drakakis, Smith, DAVID. Third world city, Methuen publication, London, 1987.
- 4-----, urbanization in the Developing world, Routledge, 1986.
- 5- Katharine Kia, Thehranian(1995). Modernity, space and power, Hampton press, INC. Cresski,N.J.,U.S.A.
- 6- King, Anthony D.(1990) Urbanism, colonialism and the world Economy : Cultural and spatial foundations of the world urban system, Routledge, London.
- 7- Lipton, Micheal(1977). Why poor people stay poor: urban Bias in world Development, Cambridge, Mass: Harvard University press.

- 8- Rondinell: , Dennis(1983). Secondary Cities in Developing Countries:
Policies for Diffusing urbanization, Beverly Hills, sage publication.
- 9- U.N. world Housing survey, New York, 1974,P.26.
- 10- -----, Development programme(1996), Human Development Report, New York: Oxford university press.
- 11- -----, United Nations Demographic Yearbook, New York, 1996.
- 12- -----, United Nations Demographic Yearbook, 1989, New York.
- 13- World Bank, world Development Report, 1981,1983, New York.